



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی - 19 / بهمن / 1382

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

روز نوزدهم بهمن را به همه‌ی خانواده‌ی بزرگ نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران تبریک عرض می‌کنم. وجه غالب در این پدیده عبارت است از يك شجاعتِ خطشکنانه از سوی کسانی که ملت ایران این تصوّر را درباره‌ی آنها نداشت. وقتی يك ملت با همه‌ی وجود، با همه‌ی توان و با صدای بلند در يك عرصه آرمانهایی را فریاد می‌کند و پای آنها می‌ایستد و دنیایی را متوجه و مبهوت خود می‌سازد، جبهه‌ای که طرف مقابل ملت است، به چه تکیه می‌کند؟ عادتاً به نیروهای نظامی خود. چنین تصوّری در ذهن بسیاری از مردم ما بود؛ اما ناگهان عکس این را مشاهده کردند. دیدند در دل نیروهای مسلح و در نقطه‌ای که در واقع سوگلی نیروهای مسلح بود - یعنی نیروی هوایی - حرکتی به وجود آمد که نهضت عمومی و انقلاب را يك گام بزرگ جلو برد. این کار، خطر هم داشت. کسی نباید خیال کند که آن روز این کار بی‌خطر بود؛ نه، بسیار خطرناک بود؛ عمل شجاعانه‌ای انجام دادند. بنده هم در آن روز شاهد و ناظر این حرکت عظیم بودم و تأثیر آن را در مجموع فضای انقلابی کشور لمس کردم. بنابراین، این حرکت مثل همه‌ی حرکت‌های شجاعانه و برخاسته‌ی از تجلی اراده و عزم انسانی، ماندگار است و در تاریخ ثبت خواهد شد و ثبت شد. وجه غالب مسأله این است. ولی من به این مسأله فقط از این زاویه نگاه نمی‌کنم - با این که این زاویه بسیار مهمّ است - من به این نکته توجه می‌کنم که نیروی هوایی پای این حرف ایستاد. شاید خلیجها در این کشور ندانند که در نیروی هوایی چه کار بزرگ و چه حرکت ارزشمندی بعد از آغاز حیات نظام اسلامی و جمهوری اسلامی شروع شد. بنده خوب می‌دانم در نیروی هوایی چه اتفاقی افتاد؛ نیروی هوایی پای این حرف ایستاد. در رده‌ی بالای این نیرو کسانی بودند که خیلی هم تمایلی نداشتند، اما جوانان آن روز نیروی هوایی - که بسیاری از آنها الان جزو هیأت رئیسه‌ی نیرو و از فرماندهان ارشد نیرو هستند و بسیاری‌شان هم به شهادت رسیدند - عزم خود را جزم کردند تا همچنان پیشرو بمانند و ماندند.

در آن روزها سازماندهی نیروی هوایی و سازماندهی بخش‌های گوناگون ارتش مسأله‌ی مهمّی بود. این کار آن چنان با ظرافت، مهارت و پایبندی به مبانی انقلاب در داخل نیروی هوایی انجام گرفت که حتی ناظران نزدیک و آشنا را هم متحیر کرد. بعد جنگ تحمیلی آغاز گشت و نوبت عملیات شد. چشمها متوجه بود که نیروی هوایی چه خواهد کرد. نیروی هوایی نقش‌آفرینی کرد و وسط میدان ظاهر شد. با این که نیروی هوایی نیروی پشتیبانی است، اما در برهه‌ی مهمّی از زمان در آغاز جنگ، محور دفاع مقدّس شد. بنده آن وقت نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی بودم؛ به مجلس رفتم و از تعداد سورتیه‌های پرواز نیروی هوایی در جنگ گزارش دادم؛ نمایندگان مبهوت ماندند! يك بار دیگر نیروی هوایی دیگران را متعجب کرد؛ آن زمان که دستگاه‌های - به گمان بعضیها - از کار افتاده و معطل مانده و رو به تمام شدن را احیاء کرد. شاید روز اوّل یا دوم جنگ بود که چند نفر از بزرگان نظامی آن روز کاغذی به من دادند که در آن طبق آمار نشان داده شده بود که ما حداکثر تا بیست روز دیگر پرنده‌ای در آسمان کشور نخواهیم داشت؛ نه ترابری و نه جنگنده. من هنوز آن کاغذ را نگه داشته‌ام. به ما می‌گفتند اصلاً امکان ندارد؛ اما جوانان ما - از خلبان ما، فتنی ما، پدافندی ما، همه و همه - دست به هم دادند و هشت سال جنگ را بدون این که ما چیز قابل توجهی به موجودی ارتش اضافه کرده باشیم، اداره کردند؛ آن هم در مقابل پشتیبانیهای جهانی از رژیم صدام. به آن رژیم هواییما و امکانات راداری و پدافندی می‌دادند و مدرنترین وسایل و تجهیزات را در اختیارش می‌گذاشتند؛ اما نیروی هوایی ایستادگی کرد: «انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا (78)». خلیجها هستند که به مبدأ و فکری ایمان



می‌آورند و وارد دایره‌ی مؤمنین می‌شوند؛ اما وقتی مشکلات پیدا شد و تکالیف سنگین گردید، پس می‌زنند. کسانی مورد مدح الهی هستند که وقتی بلی را گفتند و وارد میدان شرف و صداقت شدند، بر آن پای بفرسند، و نیروی هوایی ما پای فشرد. این گواهی من است، آن هم گواهی از نزدیک. این را می‌گویم برای این که شما جوانان نیروی هوایی - که خیلی از شما آن روزها را درک نکرده‌اید و آن شخصیتها را هم ندیده‌اید؛ خیلی از شما «بابایی» و «ستاری» و دیگر چهره‌های برجسته‌ی نیروی هوایی را ندیده‌اید - بدانید که نسل قبل از شما چه کار برجسته‌ای انجام داد و چه خدمت بزرگی به کشور و نظام اسلامی کرد. امروز شما همان بار سنگین را بر دوش دارید. روز اول انقلاب با بیست و پنج سال بعد از انقلاب، از لحاظ سنگینی مسؤولیت، هیچ تفاوتی ندارد، جز این که هرچه پیش می‌رویم، کار پیچیده‌تر و ظریفتر و دقیقتر می‌شود و این متوجه به شماست.

امروز کشور شما چون می‌خواهد آزاد و مستقل و متکی به خویش باشد، مورد تهاجم است؛ هیچ مسأله‌ی دیگری در ایران نیست. چه کسی امروز نمی‌داند که مسأله‌ی حقوق بشر و آزادی و دموکراسی و دیگر حرفهایی که از دهان بلندگوهای بیگانه خارج می‌شود، حرفهای پوچ و بهانه‌های واهی بیش نیست؟ این را همه می‌دانند. امروز کیست که حمایت امریکا و بقیه‌ی مستکبران دنیا را از رژیمهای صدرصد دیکتاتور نداند؟ کیست که نداند در این کشور پنجاه سال یک رژیم دیکتاتوری سیاه وابسته - پهلوی اول و پهلوی دوم - حکومت کرد و مورد حمایت قدرتها و گاهی همین شخصیتهای فعلی بود؟ اینها را همه می‌دانند. معلوم است که این واقعیات نشان‌دهنده‌ی خیلی چیزهاست. مخالفت اینها با جمهوری اسلامی فقط به یک دلیل است: این ملت خواسته و عزم کرده و توانسته است مستقل بماند و خود را دست اینها ندهد و به اینها نفروشد. امروز مسأله این است.

ما خواسته‌ایم و به حول و قوه‌ی الهی توانسته‌ایم. بیست و پنج سال برای فشارهای بین‌المللی زمان کوتاهی نیست؛ اما نظام جمهوری اسلامی با ساخت مستحکم مردمی خود - که ملات این ساخت هم ایمان و آمادگی برای مجاهدت بود - توانسته است تا امروز نه فقط در مقابل فشارها مقاومت کند، بلکه روزبه‌روز خود را مستحکم‌تر نماید؛ بعد از این هم همین خواهد بود. ما خود را قوی کرده‌ایم. تا آن روزی این فشارها ادامه پیدا خواهد کرد که دشمنان مأیوس شوند. یأس آنها به چیست؟ به این است که احساس کنند روند تحرک و تقویت خویشتن در جمهوری اسلامی توقف پذیر نیست. بخشی از این کار بزرگ به عهده‌ی شماست، بخشی به عهده‌ی دانشمندان غیرنظامی است، بخشی به عهده‌ی دانشگاههاست، بخشی به عهده‌ی سیاستمداران است؛ آنها هم می‌توانند در ایجاد این باور که فشارها را دور یا کم خواهد کرد، نقش ایفا کنند. به‌هرحال نقش عمده‌ای به عهده‌ی شماست. باید بسازید، نگه دارید، افزایش دهید، نوآوری کنید، سازماندهی را تقویت نمایید و در کنار ساختن ابزارهای کارآمد، انسانهای ماهر بسازید.

من بارها این نکته را گفته‌ام که یک روز در این کشور اگر قطعه‌ای از جنگنده‌هایی که امروز شما دارید، خراب می‌شد، آن را داخل هواپیما می‌گذاشتند و برای تعمیر به امریکا می‌بردند و برمی‌گرداندند؛ یعنی اجازه نمی‌دادند این قطعه در ایران باز شود و مهندس و صنعتگر نظامی ایرانی اصلاً بدانند درون این قطعه چیست! امروز خود شما هواپیما می‌سازید و آن را به پرواز درمی‌آورید. اوایل جنگ وقتی می‌گفتند فلان قطعه را نداریم، ما عزا می‌گرفتیم و می‌ماندیم آن را از کجا بیاوریم؛ اما امروز این قطعات را خود شما می‌سازید. اولین نقطه در ارتش که جهاد خودکفایی را به‌وجود آورد، نیروی هوایی بود. حدود سال شصت اینها جهاد خودکفایی را به‌وجود آوردند، بعد خبرش را به ما دادند، ما هم این سازمان را در کل ارتش ایجاد کردیم. بنابراین نیروی هوایی می‌تواند، شما جوانان هم می‌توانید.

از تجربه‌ی پیشکسوتان، از نیروی ابتکاری که در مردان و زنان و جوانان عزیز هست، از بخش دانشگاهی کشور و بیش از همه از توان ذاتی و درونی خود هر چه می‌توانید، استفاده کنید؛ آنچه را که دارید، خوب نگه دارید و از نقصها و ضعفها آن را بپیرایید و بر آن بیفزایید. شما می‌توانید این کارها را بکنید. بدانید که مایه‌ی اصلی برای این کار، ایمان



و اعتماد است؛ ایمان و اعتماد به خدا و ایمان به خود. اسلام، ما را به این راه رهنمون می‌شود. بهترین وسیله برای انسان، ایمان است. ایمان، انسان را امیدوار می‌کند؛ او را تشویق می‌کند؛ او را پایدار و شکست‌ها را از نظر او کوچک می‌کند؛ به او امید می‌دهد تا دنبال توانایی‌هایی که خدا در وجود انسان به ودیعه گذاشته، برود. برای همه‌ی شما دعا می‌کنم و از خدای متعال عاقبت بخیری مسألت می‌نمایم. همه‌ی ما از داشتن شما عزیزان، شما جوانان و شما مردان و زنان خوب و مؤمن، به خود می‌بالیم و خدا را شکر می‌کنیم.

والسَّلَام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته
(78) فصلت: 30